

محمد کمالی

چارچوب و نحوه بانکداری اسلامی*

ویژگیهای اصلی نظام اقتصادی اسلامی و نحوه عمل نهادهای مالی در آن

مترجم: محمد کریمچه

احیای ارزشهای اساسی اسلامی در بسیاری از نقاط جهان، در زمینه اقتصادی نیز منجلی شده است و تعدادی از کشورهای مسلمان نرس، به منظور تطبیق بیشتر با احکام اسلامی، در جهت تغییر شکل نظام اقتصادی (ویژه نظام بانکداری) خود حرکت کرده اند. تحولات جمهوری اسلامی ایران و پاکستان در این خصوص بسیار مسبق بوده و توجه بسیاری از کشورها را به سوی خود جلب کرده است.

برداشت ماسانه از اقتصاد و نظام مالی این است که اقتصاد اسلامی و نظام مالی اسلامی تنها تفاوتی که با نظامهای دیگر دارد در زمینه حذف بهره است. چون حذف بهره موقعا^۱ اولین گام در اسلامی کردن اقتصاد بوده است. شاید طبیعی هم باشد که بانکداری بدون بهره، بیشترین توجه را به سوی خود جلب کرده است. ولی با اینکه حذف معاملات ربوی، از اصول مسلم نظام اقتصادی اسلامی است، ولی به هیچ وجه توصیف کاملی از نظام اقتصادی اسلامی، به عنوان یک کل، نیست.

اقتصاد اسلامی در مفهوم وسیع آن، نظام کاملی است که الگوی مشخصی از رفتار اقتصادی را در قالب روش زندگی اسلامی برای افراد جامعه توصیه می کند. این مقاله به طور خلاصه خصوصیات اصلی نظام اقتصادی اسلامی را تشریح می کند و سپس نشان دادن نحوه عمل نظام مالی مناسب با چارچوب نظام مزبور، به برخی از گوشه های که در زمینه اجرای آن به عمل آمده اشاره می نماید.

پرتال جامع علوم انسانی

نظام اقتصادی اسلامی

در بطن نظام اقتصادی اسلامی مجموعه ای از قوانین جامع و تعیین کننده قرار دارد که بر رفتار و روابط اقتصادی اثر می گذارد. این قوانین به وسیله "شریعت" که مجموعه ای از آیات قرآنی و احادیث حضرت محمد (ص) است، مشخص می شود. در حاشیه نیز، قواعد و نهادهایی وجود دارند که اگرچه بر

* Khan, Mohsin, S. Mirakhor Abbas. "The framework and practice of Islamic banking", *Finance and Development* (Sep. 1986), pp. 32-36.

رفتار اقتصادی تأثیر می‌گذارد، لکن بسته به مقتضات در معرین تغییرند. سیاستهای اقتصادی که توسط مقامات قانونی وضع می‌شود ممکن است فقط با توجه به همان قواعد و سبدها، از یک جامعه اسلامی به جامعه دیگر تغییر یابد. لکن در هر حال، این گونه سیاستها نیز باید منطبق با "شریعت" باشد.

برخی از ارکان کلیدی فواین تغییرناپذیر نظام اقتصادی به شرح زیر است:

حقوق فردی: حقوق فردی در اسلام، بهیچ تکالیف اساسی است به اینکه مقدم بر آن تکالیف باشد. هنگامی که انسان تکالیف خود را انجام داد حقوق مسلمی نیز بدست می‌آورد. اسلام در خصوص لزوم احترام به تکالیف و همچنین حقوق افراد تأکید می‌کند؛ اول به تکالیف و سپس بر حقوق افراد برای دسمل کردن منابع اقتصادی خود در چارچوب شریعت.

حقوق مالکیت: حقوق مالکیت در اسلام نتیجه "به اصل اساسی است. اولین اصل خداوند را مالک اصلی و سبای کلیه اموال و داراییها ساخته است و برای اینکه انسان سواند وظایف خود را انجام دهد، به او حق تصرف اموال، به عنوان امانتدار، داده شده است. اصل دوم دلالت بر این دارد که دارایی به معنوی خود، هدف نیست و صرفاً وسیله‌ای برای دستیابی به هدفهای بالاتر به‌شمار می‌رود. تمامی اعضای جامعه در منابع طبیعی در دسترس انسان سهیم‌اند. اصل سوم، که اصل ثبوت مالکیت نامیده شده است، از دو اصل اول مشتق می‌شود. این اصل، در محصول سبای، حقوقی را برای اجتماع و برای افراد قایل می‌شود. این حقوق به وسیله شریعت، از طریق وضع محدودیتها بر تنگ داراییها و ثروت حاصل از آن، تنظیم می‌شود.

عقود (قراردادها): اسلام روابط اقتصادی (شامل مبادلات) را بر سبای عقود استوار کرده است. آزادی انعقاد قرارداد - در صورتی که در چارچوب شریعت ظهور یوی شده باشد - و تعهد به وفاداری نسبت به شرایط قرارداد، مورد تأکید فراوان اسلام بوده است.

منع بهره: قرآن در مباحث و پرداخت بهره یا ربا را منع کرده است. ربا به‌طور دقیق، عبارت است از اضافه شدن سبلی به اصل وام. بر سبای زمان بازپرداخت یا مدت زمان تسوی بازپرداخت آن. بر پایه "فقه اسلامی، ربا پول اضافه‌ای است که در یک مبادله پول یا پول پرداخت می‌شود. با افزایش یک طرفه در مبادله کالا یا کالا است. اکنون در میان دانشمندان مسلمان، این اجماع عقیده دیده می‌شود که منع بهره، شامل تمامی انواع آن می‌شود.

کار و ثروت: اسلام، کار را ارج می‌گذارد. کار بعد جدایی‌ناپذیر ایمان است و در برابر آن، به کارگی جلوه‌ای از بی‌اعتقادی به دین به‌شمار می‌آید. کلیه افراد به تلاش برای تأمین معاش ترغیب شده‌اند، و هیچ فردی که از نظر جسمی و روانی سالم است، اجازه ندارد که با به کارگی و عدم اشتغال آزادی، سر بار خانواده یا دولت شود.

"ثروت" نیز در حکم ابزار می‌شود که به وسیله آن انسان راه دستیابی به هدفهای سبای

خود را می‌تواند هموار سازد. همچنین ثروت یکی از والاترین برکات اعطا شده به انسان محسوب می‌شود و همه افراد به کوشش در کسب آن تشویق شده‌اند. روشهای تحصیل، تصرف و سلب مالکیت، در شریعت تعیین شده‌است. پارامی از این قوانین، در ارتباط با اسراف در مصرف، اتلاف و اربت می‌باشند. هدف از این قوانین، تغییر الگوی درآمد و توزیع ثروت است.

نقش دولت: بعض دولت در اقتصاد اسلامی در ارتباط با فراهم آوردن شرایط زیر است:

— امکانات مناسبی برای همه افراد به منظور دستیابی به منابع طبیعی و وسایل زندگی
— فرصتهای مناسبی برای همه افراد در زمینه‌های آموزش، مهارت و تکنولوژی برای استفاده از منابع فوق.

— نظارت بر بازار به منظور تأمین عدالت در مبادلات (اسلام در مورد بازار و نحوه عمل موثر آن تأکید فراوانی دارد، و در شریعت شکای از قوانین معنوی و اخلاقی برای کلبه مناسر بازار پیش‌بینی شده‌است).

— انتقال منابع از طرف کسانی که توان بیشتری برای استفاده از منابع اقتصادی دارند به سایر افراد (بر اساس قوانین شریعت):

— عدالت توزیعی برای نسل آینده از طریق اجرای قوانین اربت.

در چارچوب شریعت به دولت اختیار داده شده‌است، تا سیاستهای خاص اقتصادی لازم را به منظور تحقق هدفهای فوق و تأمین هزینه مورد نیاز انجام وظایف خود از طریق وضع مالیات و استفاده از منابع ملی، طراحی کند.

بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی، مریحا "در پی این است که در چارچوب یک نظام اقتصادی که برخی از ویژگیهای آن در بالا تشریح شد، فعالیت کند. اصل محدودکننده‌ای که نظام مالی باید به تبع آن عمل کند، ضدیت با بهره‌است. مع هذا، آنچه منع شده‌است، منفعت ثابت یا از پیش تعیین شده‌ای در داد و ستدهای مالی است، نه اینکه یک نرخ منفعت نامعلوم — مثلا — به صورت سود نشان داده شده‌است — منع شود.

منع بهره — اگرچه واقعت منع بهره در بانکداری اسلامی امری بدیهی به نظر می‌رسد، لکن در خصوص تشریح و توجیه کاربرد آن، استدلالهای مختلفی از سوی دانشمندان اقتصاد اسلامی مطرح شده‌است. استدلالی که در منون مربوط به بانکداری اسلامی توجه زیادی به آن نشده‌است ولی در توجیه منع بهره، بسیار جلورفته است، پایه، موضع اسلام در خصوص حقوق مالکیت و تکالیف و برداشت آن از عدالت اقتصادی قرار گرفته است.

پول نشان دهنده ادعای پولی مالک آن به مالکیتی است که با داراییهای حاصل از کار و انتقال به دست آمده است. قرض دادن پول مثلاً، انتقال این حق است و آنچه در موقع بازگشت می توان ادعا کرد، معادل آن است و نه بیشتر. بنابراین، بهره پول، ایجاد حقوق مالکیت ناروا و آسی تلفی می شود. نارواست، زیرا بهره حق اموالی است که خارج از چارچوب قانونی مشخص اموال مورد ادعا قرار می گیرد. آسی است، زیرا که به مجرد انعقاد قرارداد اعطای وام یا بهره، حتی در مورد دارایی قرض گیرنده برای قرض دهنده ایجاد می شود. از سوی دیگر، چنانچه سرمایه مالی قرض دهنده در مشارکت با سرمایه و نیروی انسانی کارآفرین (entrepreneur) مورد استفاده قرار گیرد، حق قرض دهنده نسبت به اموال خود منتقل شده و او در محصول نهایی ایجاد شده از پول خود، همانند یک شریک، سهم خواهد داشت. همچنین به منظور ترویج ثروت انسانی ایجاد شده، نسبت به سرمایه گذاری مالی به عمل آمده، سهمی به وی تعلق می گیرد. این تأکید به تسهیم سود، مبنای را برای بانکدگی یک نظام مالی اسلامی فراهم می آورد.

به طور کلی تفسیر شکل بانکداری از یک نظام متکی بر بهره به نظامی که بر تسهیم سود و زیان متکی است، بانکداری اسلامی را ضرورتاً نظامی متکی به انصاف می سازد. در چنین نظامی با سپرده گذاران به مثابه صاحبان سهام یک بانک برخورد می شود و در نتیجه ارزش اسمی خاصی ضمانت نمی شود و نرخ بهره از قبل تعیین شده ای به سپرده گذاران تعلق نمی گیرد. در صورتی که سودی نصیب بانک شود، به صاحب سهم (سپرده گذار) سهم مشخصی از آن تعلق می گیرد و از طرف دیگر چنانچه بانک با زیان روبه رو شود، سپرده گذار در آن سهم است و بنابراین بازدهی منفی دریافت خواهد کرد. بدین ترتیب از دیدگاه سپرده گذار، بانکداری اسلامی، از بسیاری جهات، مشابه یک شرکت سرمایه گذاری و با یک مؤسسه امانی سرمایه گذاری است. علاوه بر این، برای شمیمت از محدودیتهای مذهبی، بانکها نمی توانند سپرده های برای عملیات وام دهی خود در نظر بگیرند و مجبورند روشهای خاصی از سرمایه گذاری و تأمین مالی را اعمال نمایند که متکی بر تسهیم سود و زیان باشد.

منابع وجوه بانکها - صرف نظر از سرمایه و سهام خود بانک، منابع اصلی وجوه بانکهای اسلامی از دو نوع سپرده تشکیل می شود: سپرده های معاملاتی و سپرده های سرمایه گذاری.

سپرده های معاملاتی مستقیماً با معاملات و پرداختها در ارتباط است و می توان آن را معادل سپرده های جاری در نظام بانکداری متعارف تلقی کرد. اگرچه در این مورد بانک می تواند ارزش اسلامی سپرده را تضمین نماید، لکن هیچ گونه درآمدی برای این نوع سپرده پرداخت نمی کند به طور کلی، وجوه تجهیز شده از طریق این سپرده ها، نمی تواند برای سرمایه گذاری سودآور توسط بانک، مورد استفاده قرار گیرد. از این روی، بانکها به منظور جبران هزینه اداری این گونه حسابها، احتمالاً مجبور به وضع کارمزدهایی در مورد این سپرده ها خواهند بود.

سپرده های سرمایه گذاری که منبع اصلی وجوه بانکها را تشکیل می دهد، بیش از آنکه شایستگی سپرده های پس انداز و مدت دار داشته باشد، شبیه سهام یکمنگاه است. بانکی که سپرده های سرمایه گذاری

را قبول می‌کند، هیچ‌گونه تضمینی در مورد ارزش اسمی آن قابل نمی‌شود و منفعت ناشی را پرداخت نمی‌کند. سپرده‌گذاران، همانند سهامداران و بنابراین در سود و زیان بانک سهیم‌اند. تنها توافقی که بر صیای یک پیمان، بین سپرده‌گذار و بانک به‌عمل می‌آید، در خصوص نسبت تسهیم سود و زیان است. نرخ تسهیم سود و زیان می‌بایستی قبل از معامله بین سپرده‌گذار و بانک مورد توافق قرار گیرد و طی مدت قرارداد تنها در صورت رضایت دو طرف قابل تغییر است.

مصادفهای عملی

در حال حاضر حدود ۲۵ کشور (شامل غالب کشورهای جهان سوم) دارای نوعی از بانکداری و یا موسسه‌های مالی اسلامی هستند که اکثر آنها از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ ایجاد شده‌است. این تحول ملی الاصول دو شکل کلی داشته است. نوع اول کوششهایی بوده‌است بمنظور ایجاد نهادهای مالی اسلامی در کنار بانکداری سنتی. در این کوششها دو نهاد مختلف ایجاد شده‌است. بانکهای تجاری اسلامی که عمدتاً در کشورهای اسلامی تأسیس شده‌اند و شرکتیهای سرمایه‌گذاری و دارنده سهام که در برخی از کشورهای مسلمان و عمدتاً در کشورهای غیرمسلمان تأسیس گردیده‌اند. در هر دو حالت بالا، عملیات بانکداری بانکهای اسلامی می‌بایستی در چارچوب قوانین و مقررات مشخص مربوطه تعامی بانکها صورت پذیرد. در مورد حالت اول می‌توان به مثالهایی چون بانکهای اسلامی فیصل در مصر و سودان، بانک اسلامی دومی و بانک اسلامی اردن اشاره کرد. در خصوص حالت دوم (یعنی شرکتیهای سرمایه‌گذاری یا جمعیت ملی یا بین‌المللی) نیز دارالامال اسلامی (ژنو)، شرکت سرمایه‌گذاری اسلامی (باهاما) و بانک سرمایه‌گذاری اسلامی (بحرین) را به‌عنوان نمونه می‌توان ذکر کرد. این موسسه‌ها برای جلب سپرده‌ها، از مسلمانانی که تمایلی به دریافت سپرده ندارند و وجوه خود را صرف امور سرمایه‌گذاریهای سودده می‌کنند، با یکدیگر رقابت دارند. در ایجاد بسیاری از این موسسه‌ها، بخش خصوصی پیشگام بوده‌است.

نوع دوم، کوششهایی را که برای تغییر ساختار کلی نظام مالی اقتصاد بمنظور هماهنگی با احکام اسلامی انجام شده‌است، شامل می‌گردد. این کوششها نیز دوروش کلی را در بر می‌گیرد: در روش اول تمامی اقتصاد و نهادهای آن (شامل موسسه مالی) به شکل اسلامی آن تغییر یافته‌اند (مانند جمهوری اسلامی ایران). روش دوم نیز اشاره به اسلامی کردن تدریجی کل اقتصاد دارد که با اسلامی کردن، بانکداری، آغاز می‌گردد (مانند کشور پاکستان).

پاکستان

فراپند اسلامی کردن نظام بانکداری در پاکستان در ۱۹۷۹-۱۹۸۰ که بانکها اجازه یافتند سپرده‌ها را بر سنای تسهیم سود و زیان قبول کنند، آغاز شد. در ماه ژوئن ۱۹۸۴، دولت برنامه تغییر شکل برحسب کل نظام مالی (شامل بانکهای تجاری، تخصصی و موسسه‌های مالی غیربانکی) به یک نظام مالی اسلامی بدون سپرده، طی دوره ۱۹۸۴-۱۹۸۵ را اعلام کرد. تا روز اول ماه ژوئن ۱۹۸۴ به کلیه موسسه‌های مالی اجازه داده شد که معاملات خود را به‌صورت اسلامی و با روشهای متکی به بهره انجام دهند، مشروط به

اینکه وام‌های مربوط به سرمایه در گردش بیش از مدت شش ماه امطا و یا تجدید نشود. از اول ماه ژانویه ۱۹۸۵ کلیه معاملات بانکها با دولت‌های فدرال و استانی، شرکت‌های دولتی و شرکت‌های مشترک سرمایه‌گذاری خصوصی بر مبنای اصول اسلامی صورت گرفت و از اول ماه آوریل ۱۹۸۵ تمامی تأمین‌های مالی امطا شده به افراد و موسسات، بر مبنای اصول اسلامی انجام شده به بانک دولتی پاکستان (بانک مرکزی) این اختیار داده شده تا برای هر روش چهار تأمین مالی اسلامی، نرخهای بارده حداکثر و حداقل به موسسات مالی را تعیین کند. البته ابزار مشخص و مدت زمان و شرایط هر قرارداد مالی پس از حصول توافق بین موسسه و مشتریان آن می‌بایستی تعیین شود.

اگرچه روشهای متنوع بانکداری در پاکستان مجاز شمرده می‌شود (با دانسته‌ای از دریافت کارآمد تا سهام مشارکت بر مبنای تسهیم سود و زیان) بیش از ۹۰ درصد عملیات وام‌دهی بانکها تا کنون به دلیل سهولت کار بر مبنای افزایش بها صورت گرفته است. افزایشهای مذکور در ارتباط با نوع معاملات و با سود مورد نیاز طرف مقابل بانک ممکن است تفسیر کند، لکن به هر حال همان‌طور که بانک دولتی پاکستان تعیین کرده‌است، دامنه آن بین ۱۰ تا ۲۰ درصد است. سپرده‌گذاران از امنیت سپرده‌های خود مطمئن بوده و در درآمدهای حاصله بر مبنای تسهیم سود و زیان شریک هستند.

تجربه اولیه پاکستان نشان داده‌است که اجرای بانکداری اسلامی لطمهای به کارایی سیاست پولی نزده‌است. در واقع این باور وجود دارد که نظام جدید با دزمنظر گرفتن نرخهای افزایشیها و تسهیلات سود و زیان متنوع، توان مقامات پولی در تخصیص منابع مالی را افزایش داده است. همچنین کارایی ابزارهای اولیه سیاست پولی، مانند تعیین اعتبارات، تحت تأثیر قرار نگرفته‌است. انتظار می‌رود که از طریق فرایند تدریجی اسلامی کردن، تغییرات مهمی در چارچوب قانونی و نهادی ایجاد شود، که این امر تغییر شکل کل نظام فعلی را سرعت خواهد بخشید. مهمترین این تغییرات عبارتند از: تغییر در نحوه برخورد بانکها نسبت به امطای وام‌های میان مدت و بلندمدت بر مبنای عقود مضاربه و مشارکت، آموزش عمیق کارکنان بانکها به منظور ارتقای توان آنها در ارزیابی پروژههای سرمایه‌گذاری، اصلاح نظام رسیدگی و تنظیم، ایجاد یک بازار سهام کارآمد و توسعه یک بازار ثانویه و ایجاد یک نظام حکمت و داوری و چارچوبی قانونی به منظور رفع اختلافهای احتمالی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی علوم انسانی

جمهوری اسلامی ایران

جامعترین شکل اجرای نظام مالی اسلامی تا کنون در ایران صورت گرفته است. این نکته امری بدیهی به نظر می‌رسد زیرا که هدف از انقلاب اسلامی تغییر شکل کل جامعه بوده‌است. نظر به اینکه بانکداری در ایران بخش جدایی‌ناپذیر نظام اسلامی به‌معنای وسیع خود است، کارایی نظام بانکداری می‌بایستی در چارچوب کل نظام اسلامی مورد آزمایش قرار گیرد.

بلافاصله پس از انقلاب اسلامی، ابتدا از طریق ملی کردن و سپس تجدید سازمان نظام، کامیابی در جهت تغییر شکل نظام بانکداری برداشته شد. قانون ملی شدن بانکها در سال ۱۳۷۹ تعداد

بانکها را از ۳۶ به ۹ تقلیل داد و تعداد کل شعب و دفاتر بانکی قریب به ۲۰۰۰ واحد کاهش داده شد. پس از تعدد سازمان، بهره از عملیات بانکی حذف و کاربرد و نرخهای سود حداقل جایگزین آن شد. و این در حالی بود که قانون عملیات بانکی بدون ربا برای تقدیم به مجلس آماده می‌گردید. قانون مزبور در اواخر سال ۱۹۸۲ از تصویب مجلس گذشت^۱ و اجرای آن از ۲۱ مارس ۱۹۸۲ آغاز شد.

در این قانون ۱۱ نوع عقود مختلف برای معاملات و تأمین مالی^۲ و ۲ شکل مختلف سپرده‌گذاری^۳ مجاز شمرده شده‌است. پس از تصویب قانون، برای تفسیر شکل معاملات بانکی به روشهای جدید، در مورد سپرده‌ها مهلتی به مدت یکسال و در مورد سایر عملیات بانکی مهلتی به مدت سه‌سال تعیین شد. در حالی که هیچ‌گونه بازدهی به سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز تعلق نمی‌گیرد. به بانکها اجازه داده شده‌است که جوایز و استیازهای مختلفی برای صاحبان این سپرده‌ها در نظر گیرند. سپرده‌های سرمایه‌گذاری به دو نوع مورد استفاده قرار می‌گیرد. بانک یا می‌تواند وجوه لازم را از طرف سپرده‌گذار در پروژه‌های انتفاعی سرمایه‌گذاری نماید. که در این صورت تمامی سود حاصله نصیب سپرده‌گذار شده و بانک حق‌العقلی دریافت می‌دارد. و با اینکه بانک از وجوه سپرده‌گذار و منابع خود تماماً استفاده می‌کند، که در این صورت سپرده‌گذار سهم معینی از سود حاصله را دریافت می‌دارد.

سپرده‌های نزد کلیه بانکها قبل از موعد مقرر به انواع اسلامی آن تفسیر شکل یافته است. در حال حاضر بانکها در جریان تفسیر شکل طرف دارایی ترانزاکشن خود هستند، که انتظار می‌رود این کار تا قبل از موعد مقرر حائمه باشد. به دلیل عدم تأکید بر لزوم اراک و شق و ارزش اعتباری گیرنده وام، و انکاز بر موجه و انتفاعی بودن پروژه‌ها، مشتریان بانکها، سوبزه در بخشهای صنعت و کشاورزی، تشویق به ارائه پروژه‌های جدید سرمایه‌گذاری بر مبنای تسهیم سود شده‌اند. نوآوری مهم بانکها در این خصوص، تمایل به جمع‌بندی روشهای متنوع تأمین مالی، به منظور ارائه مطلوب‌ترین مجموعه‌های مالی به مشتریان بوده‌است. کمبود نیروی انسانی آموزش دیده و ماهر (در زمینه‌های دینی و بانکداری) برای ارزیابی پروژه‌ها جدیدترین مشکلی است که در حال حاضر بانکها با آن روبه‌رو هستند.

عملیات وامدهی بانکی

تحت قوانین شریعت، بانکها مکلفند که در عملیات وامدهی خود نیز اصول تسهیم سود و زمان را

۱. قانون عملیات بانکی بدون ربا در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی. و در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده‌است. - مترجم.

۲. این عقود عبارتند از: مضاربه، مزارعه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم، معامله سلف، قرض‌الحسنه اعطایی، اجاره به شرط تملیک، مساقات، جعاله و فروش انشایی. - مترجم.

۳. شامل سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز و سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلند مدت. - مترجم.

امثال کنند. مفود مبارزه و مشارکت، دو روشی است که با شرایط وضع شده در قانون در خصوص وامدهی مطبق است.

در عقد "مبارزه" دارنده وجوه مازاد، منابع لازم را در اختیار کارآفرین قرار می‌دهد تا در آرای سهم مشخصی از سود حاصله در یک فعالیت تولیدی اقتصادی سرمایه‌گذاری شود. زیانهای مالی احتمالی صحرا "منوجه صاحب منابع (وام‌دهنده) می‌گردد، و زیان‌گیرنده وام صرفاً "منوجه وقت و کوششی است که در این سرمایه‌گذاری به‌کار برده‌است. بدین ترتیب این نوع قرارداد سرمایه‌های انسانی و مالی را به‌طور موثرتر در کنار یکدیگر به‌کار می‌گیرد.

در عقد "مشارکت" تعداد عرضه‌کنندگان وجوه بیش از یک نفر هستند، کلیه طرفین قرارداد به نسبت‌های مختلفی سرمایه‌گذاری می‌کنند و سود و زیان حاصله دقیقاً بر اساس میزان سرمایه‌گذاری آنان تقسیم می‌شود. اختلاف اساسی بین دو قرارداد فوق، تعداد طرفین معامله است. همچنین تأمین مالی از طریق مشارکت، شهادت زیادی به بازار سهامی دارد که سهام مربوط قابل عرضه به مردم، بانکها و حتی دولت و بانک مرکزی باشد. به‌طور مثال، سنگ‌های که تمایل به جذب وجوه برای سرمایه‌گذاری دارند، می‌توانند از این مکانیزم استفاده کرده و اوراق مشارکت را در بازار عرضه کنند. این اوراق در عمل ابزاری قابل انتقال است که به‌وسیله داراییهای شرکت تضمین می‌شود. قیمت و نرخ بازده ضمنی آنها نیز در بازار تعیین می‌شود.

سایر روشهای تأمین مالی - در مواردی که روش تسهیم سود و زیان قابل اجرا نباشد (مثلاً در مورد قرض‌گیرندگان در مقیاس کوچک و وامهای مصرفی)، ابزار دیگری برای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در اختیار بانکها قرار دارد. این ابزار شامل مواردی چون: فروش اقساطی، معامله سلف، اجاره به شرط تملیک، قرض‌الحسنه اعطایی و برقراری کارمزد خدمات می‌شود.

نقش بانک مرکزی - عملیات بانکی در یک نظام اسلامی بدون تک پیچیده‌تر از یک نظام سنتی بانکداری است. در خصوص فعالیتهای تسهیم سود، معیار ارزش اعتباری‌گیرنده وام، که در نظام سنتی بانکداری مورد عمل است، می‌بایستی به معیار سوددهی و مزجه بودن پروژهها تغییر یابد. بانکها، علاوه بر تصمیم‌گیری در خصوص زمانبندی نرخهای بازده، ضروری است برای فعالیتهای مختلف اقتصادی نیز ساخت مشخصی برای نرخهای بازده پیش‌بینی کنند. سایر اقدامات مورد نیاز شامل مواردی چون: ارزیابی پروژه، تعیین نسبتهای تسهیم سود، ایجاد چارچوبی اجرایی برای جریان عملیات، تنظیم نظارت و رسیدگی به سیزده‌های مختلف می‌شود.

مفادات پولی که در یک چارچوب اسلامی فعالیت می‌کنند، همچنان قدرت تنظیم عملیات بانکداری و مالی در اقتصاد را، به‌منظور تخصیص منابع به‌طور هماهنگ با اولویتهای جامعه و هدایت سیاستهای پولی به‌سوی هدفهای مشخص، در اختیار دارند. بانک مرکزی برای دستیابی به هدفهای خود، می‌بایستی کنترل لازم را در خصوص پایه پولی (اسکاس و مسکوک در جریان، به‌علاوه سیزده‌های بانکها

نزد بانک مرکزی، نرخ ذخایر قانونی بانکها در مورد بدهیهای مختلف و حداکثر میزان داراییهای که بانکها می‌توانند به فعالیتهای تسهیم سود تخصص دهند، اعمال نماید. کنترل دیگری که به سبده بانک مرکزی است، خرید سهام بانکها و سایر واسطه‌های مالی است. بانک مرکزی از طریق ابزای نقش تنظیم‌کننده، نظارتی و کنترلی خود و همچنین به‌منوان وام‌دهنده آخری، می‌تواند همچنان تأثیر قابل توجهی به نظام مالی داشته باشد. به‌علاوه، ممکن است بانک مرکزی فرصتهایی ساده که در بخش فیزیکی بر بنیاد تسهیم سود، سرمایه‌گذاری مستقیم کند و در سرمایه‌گذاران مشترک با سایر بانکها سهم غالب را داشته باشد. امکان خرید و فروش اوراق بهادار، که داراییهای واقعی بازار مالی به شمار می‌روند (عطیات بازار آزاد)، نیز همچنان برای بانک مرکزی وجود خواهد داشت، مشروط به اینکه اوراق بهره یا درآمد خاصی را مقرر نکند.

علاوه بر موارد فوق نظراتی نیز در خصوص فائل شدن نقش تنظیم‌کننده نرخهای تسهیم سود بین بانکها و وام‌گیرندگان از یک‌طرف و بانکها و سپرده‌گذاران از سوی دیگر، برای بانک مرکزی ابراز شده‌است. تغییر این نرخها به نرخهای یازده تأثیر می‌گذارد و بنابراین می‌تواند تأثیری مشابه تأثیر نرخهای بهره به جریان کلی و بخشی منابع مالی، داشته باشد.

نقش سیاست پولی - دروازه‌داری که می‌توان انتظار داشت در یک نظام مالی اسلامی وجود داشته‌باشد، در جدول خلاصه شده‌است.

در این نظام سپرده‌های سرمایه‌گذاری، داراییهای مالی افراد و وام‌های اخذشده از طریق مفود مضاربه و مشارکت بدهی آنها محسوب می‌شود. نرخهای یازده به سپرده و وام‌های مزبور در بازار تعیین می‌شود. اعتبارات اعطایی به مردم و ذخیره‌های نگهداری شده در بانک مرکزی، داراییهای بانکهای تجاری را تشکیل می‌دهد. ذخایر مذکور یا جنبه قانونی دارد و یا اینکه کاملاً اختیاری است. بدهی بخش بانکی، سپرده‌های سرمایه‌گذاری و سهام بانکها نزد بانک مرکزی است. تغییر ذخایر قانونی بانکها یکی از ابزارهای است که بانک مرکزی از این طریق جریان وجوه، اعتبار و نرخهای یازده نظام را کنترل می‌نماید.

روش‌های اعلام انسانی و مطالبات فیزیکی

در ادبیات اقتصادی، برای نشان دادن چگونگی عملکرد نظام مالی اسلامی و نحوه برخورد آن با طرف حقیقی اقتصاد، مدل‌هایی در سطح اقتصاد کلان طراحی گردیده‌است که به روشی جریان حسابهای وجوه را که در جدول نشان داده شده‌است، به یکدیگر پیوند می‌دهد. تجزیه و تحلیل این مدلها نشان می‌دهد که در یک اقتصاد اسلامی، ظاهراً "هیچ‌گونه تفسیر اساسی‌ای در چگونگی انترگرداندن سیاست پولی به بخشهای اقتصادی وجود ندارد. مقامات پولی می‌توانند از طریق کنترل مرزها و وام‌های متکی به سود، همان تشبیه‌ای را به‌دست آورند که از تفسیرات در مرزها کل پول، حاصل می‌کنند. اگرچه نهادها و ابزارهای مالی در یک اقتصاد اسلامی ممکن است بسیار متفاوت باشد، لکن نتایج معمول و استاندارد اقتصادی (که به‌طور مثال سیاست پولی انبساطی، نرخ یازده را کاهش می‌دهد و موجب

حسابهای جریان وجوه نظام مالی اسلامی

بانک مرکزی		بانکها		عموم	
منابع	مصارف	منابع	مصارف	منابع	مصارف
		ΔD_b	ΔF_b^p ΔF_b^m	ΔF_p^p ΔF_p^m	ΔDP
	ΔE_c	ΔE_d			سودهای سرمایه‌گذاری اعتبار مضاربه امتار مشارک سهام بانکها ذخایر
ΔR_c			ΔR_b		

تعریف علامتها: $D =$ سپرده‌های سرمایه‌گذاری مردم در نظام بانکی، $D_b =$ سپرده‌های بانکی، $F_p^p =$ بدهیهای مضاربه مردم به نظام بانکی، $F_p^m =$ تعین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری بانکها از طریق عقد مضاربه، $F_b^p =$ بدهی مشارکت مردم به نظام بانکی، $F_b^m =$ تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری از طریق عقد مشارکت، $E_b =$ فروش سهام بانکها به بانک مرکزی، $E_c =$ خرید سهام نظام بانکی توسط بانک مرکزی، $R_b =$ ذخیره‌های نظام بانکی در بانک مرکزی، $R_c =$ موجودی ذخایر نظام بانکی در بانک مرکزی.

افزایش در کوتاه مدت می‌شود (سود مصداق دارد و تعمیری نمی‌نماید). آنچه مقامات بولی در این فرایند از دست می‌دهند، توان بورفراری مستقیم طرحهای بازده مالی است؛ تجربه‌ای که در کشورهای در حال توسعه عمومیت دارد. بدین معنا، نظام مالی در یک اقتصاد اسلامی، بیشتر متعادل به بازار است.

مشکلات مرحله انتقالی

مان این دو برداشت در بانکداری اسلامی، که بانکداری اسلامی به صورت یک موهبه انتظامی در یک نظام مبتنی بر سپرده عمل کند. با بانکداری اسلامی که به صورت جره لاینفک یک نظام اسلامی فعالیت می‌نماید، باید تمیز قابل شد. هر یک از دو برداشت بالا، با مجموعه مشکلات متفاوتی روبرو است. در غالب کشورهای مسلمان (و در بعضی از کشورهای غربی) بانکهای اسلامی با بانکهای سنتی رقابت دارند. مشکلاتی که این بانکها با آن روبرو هستند همان مشکلاتی است که دیگران ضمن کوشش در پیوند اجزای یک نظام جدیدتر با آن روبرو بودند. صرف نظر از مشکلات مربوط به تضاد بین ارزشهای اساسی، نهادهای مزبور ضمن برخورد با موانع مربوط به چارچوب قوانین و مقررات محیطی که در آن قصد فعالیت دارند، با مسائل مربوط به امنیت، توجیه‌پذیری و سوددهی نظامهای بانکداری سنتی نیز روبرو هستند. در همین حال آنها همانند مجرای برای انتقال وجوه از مشتریانی که تمایلی به سپرده نداشته به پروژه‌های انتظامی عمل می‌کند.

در خصوص بانکداری اسلامی از نوع دوم که در بالا از آن یاد شد، حصول موفقیت در کوششهای به عمل آمده بستگی خواهد داشت به نیت این جوامع در تغییر شکل نظام کلی خود به یک نظام اسلامی، که نه تنها در آن پیشنیازهای نظام اقتصاد اسلامی، بلکه شروط لازم برای یک نظام مالی موفق اسلامی نیز ملحوظ شده باشد. مواردی چون: ایجاد بازارهایی که بر مبنای تربیت معاملات می کنند (در خصوص داراییهای مالی و حقیقی)، توسعه چارچوبی قانونی که ساختار حقوق اموال و دارایی نظام اسلامی و قوانین مربوط به عقود اسلامی در آن در نظر گرفته شده باشد، تغییر لازم در موضع عرضه کنندگان و استفاده کنندگان وجوه مازاد، و بالاخره تدارک نیروی انسانی آموزش دیده برای مؤسسه های مالی، به نظر می رسد حداقل نیازهای یک نظام بانکداری است که تحت شرایط منطقی و بدون نقیض به نظر می رسد، بلکه با هدفها و مقررات اسلام نیز هماهنگ است.

بنابراین، سیاستگذاران کشورهای اسلامی برای تغییر شکل اقتصاد خود به نحوی که با اصول دینی مطابقت داشته باشد، با مشکلات متعددی روبرو هستند. بسیاری از مسائل مالی و اقتصادی نیز مسوولانه محسوس، در این زمینه می توان به مواردی چون: نقش سیاستهای مالی و پولی و سیاستهای نرخ بهره، آثار تغییر در نظام واسطهگری مالی و پس انداز و سرمایه گذاری، و تأثیر تغییر در مؤسسه های مالی بر رشد و توسعه، اشاره کرد. طی دوره انتقالی، بسیاری سیاستهای مودی و با اولویت کمتر احیانا مورد قبول قرار گرفتند. البته این نکته امری طبیعی است، زیرا که اسلامی کردن اقتصاد کوششی برای اعمال قوانین و دستورات اسلامی در زمینه رفتار اقتصادی، در کشورهایی است که نظامهای اقتصادی و مالی با منشاء خارجی، در آنها کاملاً جا افتاده است.



توسعه اقتصادی در جهان سوم

جلد دوم



منتشر می شود